معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهوری در گفت‌وگو با «شهروند»:

خشونت علیه زنان در ایران نگران کننده است

سازمان‌های مردم‌نهاد رفیق دولتند نه رقیب آن

به‌طور جدی نیازمند تغییر قوانین و مقررات در حوزه زنان هستیم

الناز محمدی

او را به‌عنوان یکی از معتدل‌ترین فعالان حقوق زنان می‌شناسند؛ حقوقدانی که سال‌ها در حوزه زنان فعالیت کرد و حالا نزدیک به دوسال است که ریاست تنها نهاد مربوط به امور زنان را به عهده گرفته؛ شهیندخت مولاوردی، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری در مدتی که به معاونت زنان یا همان مرکز مشارکت زنان در سال‌های دور، جایی که در دوران اصلاحات هم در آن سمت داشت، آمده، فراز و نشیب زیادی را از سر گذرانده. به قول خودش او و همکارانش در دولت یازدهم، در زمانی روی کار آمدند که بسیاری از مسائل زنان یا روی زمین مانده بود یا همه برنامه‌های مرکز امور زنان که حالا معاونت شده به مسائل مربوط به خانواده محدود شده بود. او حالا و در گفت‌وگوی یک ساعته‌اش با «شهروند» می‌گوید که هنوز هم جامع مطالبات زنان روی زمین مانده و باید برای آن فکری کرد. مولاوردی، هنوز هم مانند قبل از مسئولیتش در معاونت زنان ریاست‌جمهوری که هرجا فرصتی پیدا می‌کرد می‌گفت باید همه تبعیض‌ها علیه زنان ایرانی رفع شود، می‌گوید ایجاد عدالت جنسیتی و رفع تبعیض‌های حقوقی اصلی است که باید به شدت برای آن تلاش کرد.

خانم مولاوردی شما سال‌هاست که به‌عنوان فعال حوزه زنان شناخته می‌شوید و حالا نزدیک به دوسال است که به معاونت زنان ریاست‌جمهوری آمده‌اید. در این مدت مسائل مختلفی را در حوزه زنان گذرانده‌اید و در حال حاضر درباره عملکرد شما در معاونت امور زنان هم نظرات خوبی وجود دارد و هم عده‌ای به عملکرد شما انتقاد می‌کنند. با توجه به همه اینها در حال حاضر مسائل روی زمین مانده حوزه زنان را چه می‌دانید؟

به‌طور کلی ما در زمانی دولت را تحویل گرفتیم که کشور از ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در شرایط خاصی بود و حوزه زنان و خانواده هم از وضع کلی جامعه تأثیر گرفته بود. دولت یازدهم تقریبا در سال پایانی برنامه پنجم توسعه بر سر کار آمد و از طرف دیگر تحریم‌ها به اوج خودش رسیده بود و از نظر اقتصادی تأثیر خودش را بر ابعاد مختلف جامعه گذاشته بود. مجموعه شرایط، جامعه را به سمتی پیش برد - و البته همچنان می‌بَرد چون هنوز اتفاق خاصی به‌معنایی که انتظارش را داشتیم، نیفتاده است- که آسیب‌های اجتماعی رو به رشدی در آن اتفاق می‌افتد و متاسفانه تا بحث آسیب‌های اجتماعی پیش می‌آید، انگشت اتهام به سمت زنان اشاره می‌رود. ماده ۲۳۰ برنامه پنجم توسعه محورهای متعددی را روبروی ما قرار داده است. ۱۴ محور در این ماده ذکر شده و به نظر می‌رسد که در دولت قبل به بعضی از این محورها توجه شده و بعضی مورد غفلت قرار گرفته است یا این‌که زمان چندانی را نداشته‌اند که به همه محورها بپردازند. از این ۱۴ محور مسائل مختلفی را می‌توانیم بگوییم که روی زمین مانده است، چرا که این ماده در مجموع جامع مطالبات زنان است و به صورت جامع به مسائل مختلف زنان پرداخته است؛ از پیشگیری از آسیبهای اجتماعی گرفته تا بازنگری قوانین و مقررات.

از مباحث حقوقی زنان صحبت کردید. در مدتی که شما به معاونت زنان آمده‌اید کمتر دیده‌ایم که از لزوم تغییر قوانین مدنی ایران درباره زنان و رفع تبعیض‌های حقوقی علیه آنها صحبت کرده باشید. شما یک حقوقدان هستید و مسلما از این تبعیض‌ها آگاهی لازم را دارید. فکر می‌کنید با تمام اتفاقاتی که در دولت‌های گذشته در این حوزه افتاده، حالا دیگر وقتش است که در راه اصلاح قوانین مدنی در حوزه زنان قدم بگذاریم؟

اگر در این مدت من کمتر درباره رفع تبعیض‌های حقوقی علیه زنان صحبت کرده‌ام، به این دلیل بوده که این موضوع عملا در جریان است و نیازی ندیده‌ام که در این‌باره صحبت کنم. طرح کلان اصلاح قانون مدنی در قوه قضائیه در حال انجام است؛ در دولت قبل ۲۰ پیشنهاد در این‌باره داده شده بود و در دولت یازدهم ما مجموعه پیشنهاداتی را که جزو نظام جامع حقوقی قضایی زنان بود هم لحاظ می‌کنیم و این موضوع در جریان است. یکی از برنامه‌های پیشنهادی رئیس جمهوری برای گرفتن رای همین موضوع قوانین و مقررات در راهبردهای زنان و خانواده بود. این موضوع به هر حال جزو سیاست‌های ماست و بعضا لایحه‌هایی هم وجود داشته‌اند که آنها را در اولویت قرار داده‌ایم مانند لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، بیمه زنان خانه‌دار و لایحه حذف ماده ۲۶ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست که مربوط به ازدواج سرپرست با فرزندخوانده است.

همانطور که می‌دانید سال‌هاست درباره لزوم اصلاح قوانین مدنی در حوزه زنان صحبت می‌شود؛ تلاش‌هایی هم شده ولی همیشه به نظر رسیده که موانع زیادی سر راه آن وجود دارد و این راه چندان آسان نیست، لااقل نه به این آسانی که شما حالا درباره‌اش صحبت می‌کنید!

قانون ما مبتنی بر فقه امامیه است و ما راه‌های مختلفی برای این موضوع داریم؛ مثلا ارتباط با مرجعیت، یعنی بتوانیم از مراجع استفتاهایی بگیریم تا بتوانیم به‌عنوان مستند تغییر یک قانون یا وضع قانون جدید اقدام کنیم.

تا به حال از این طریق اقدام کرده‌اید؟

بله ما در مورد حذف ماده ۲۶ برای حذف ازدواج سرپرست با فرزندخوانده اقدام کردیم. البته این موضوع پیشینه هم داشت؛ درباره میراث زوجه از زوج و ارث بردن زنان از زمین، از مقام رهبری استفتا شد و با گرفتن نظر ایشان مجلس ورود کرد و این اتفاق افتاد. از طرف دیگر بازپژوهی حقوق زنان و پروژه اصلاح نظام جامع حقوقی قضایی زنان هم انجام شده است ولی وقتی دولت اصلاحات تغییر کرد، متاسفانه این موضوع از دستور کار خارج شد. در دولت نهم و دهم که یافته‌های این پروژه را قبول نداشتند که بخواهند براساس آن لایحه ارایه دهند. به هر شکل می‌دانم که کار خیلی سخت است ولی نباید ناامید شد. در فقه شیعه ظرفیت‌هایی وجود دارد تا براساس اقتضائات زمان و مکان بتوان قوانین را تغییر داد که همان اجتهاد پویاست.

شما تأثیر قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان را در سال‌های گذشته بر زندگی زنان ایرانی چطور می‌بینید؟

ما حقوق را در سه سطح در نظر می‌گیریم؛ حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی زنان. ما در هر سه سطح نیازمند تغییر و تحول و بازنگری قوانین و مقررات هستیم. به نظر می‌رسد که نسل جوان ما راه‌های دیگری را در پیش می‌گیرند؛ من قبل از این‌که به معاونت بیایم، مسئولیت دفتر اسناد رسمی داشتم و می‌دیدم که الان جوانان ترجیح می‌دهند از طریق ظرفیت‌هایی که قانون برایشان در نظر گرفته وارد شوند و به نوعی قانون دور زده می‌شود اما نه به صورت غیرقانونی.

منظورتان دقیقا چیست؟

مثلا شروط ضمن عقد اضافه بر آنچه که در عقدنامه‌ها آمده، بسیار مورد توجه جوانان است. در آن زمان که من سردفتر بودم، مراجعان زیادی را از سراسر کشور داشتیم و هفتگی چندین سند را تنظیم می‌کردیم، یعنی جوانان ترجیح می‌دهند به جای این‌که زندگی‌شان را بر مهریه‌های آنچنانی که به قول خودمان کی داده و کی گرفته، تشکیل دهند، بیشتر بر حقوق غیرمالی و قراردادهایی که تنظیم می‌کنند، تکیه کنند طبق قانون هر شرطی که خلاف مقتضای عقد نباشد، می‌توانند تنظیم می‌کنند. البته در عقدنامه‌های ما شرایطی برای وکالت طلاق زنان در نظر گرفته شده ولی به شرط‌ها و شروط‌ها. وقتی در دفاتر اسناد رسمی زنان وکالت در طلاق به صورت بلاعزل و مطلقه می‌گیرند، گاهی وقت‌ها زوج‌ها نگران می‌شدند و فکر می‌کردند وقتی این وکالت را به زوجه بدهند دیگر حق خودشان از بین رفته در حالی که اینطور نیست و ما آن زمان همه اینها را توضیح می‌دادیم.

البته هنوز این موضوع آنچنان که باید جا نیفتاده و در میان مردان درباره شروط ضمن عقد گاردهای محکمی وجود دارد.

بله این موضوع نگرانشان می‌کند و معتقدند زندگی‌شان متزلزل می‌شود، در میان خانواده‌ها هم همین‌طور و می‌بینیم که هنوز این موضوع چندان جا نیفتاده است. مثلا درباره حق ادامه تحصیل، اشتغال زن، تقسیم دارایی، حضانت و... نگرانی‌هایی وجود دارد. به نظر می‌رسد اینها راه‌هایی است که وقتی قوانین نابرابر و تبعیض‌آمیز است می‌توان به دنبالش رفت.

غیر از اینها فکر می‌کنید این قوانین تبعیض‌آمیز در همه این سال‌ها چه تأثیر ملموسی بر زندگی زنان ایرانی داشته یا آنها را دچار چه آسیب‌هایی کرده است؟

من فکر می‌کنم که در همه ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی این موضوع باعث وجود نداشتن تعادل و توازن در همه ابعاد و جنبه‌های زندگی زنان شده است. مثلا در خانواده می‌بینیم توازنی که باید درباره حقوق بین زنان و مردان باشد، وجود ندارد و بعضا براساس قوانین ما مرد یک قدرت بلامنازع در خانواده است؛ ممکن است این موضوع در زمان تصویب قانون مشکلی نداشت چرا که آن زمان غیر از فرزندآوری، همسرداری و... انتظار دیگری از زنان نمی‌رفت، آنها هیچ نقش اقتصادی نداشتند و تمام قدرت اقتصادی دست مردان بود، هیچ‌کس هم در این‌باره اعتراضی نداشت اما به مرور که از آن شرایط فاصله می‌گیریم به نظر می‌رسد که انتظارات برای تحقق وضع مطلوب روز به روز بیشتر می‌شود و شرایط لازم برای ایفای نقش‌های چندگانه‌ای که به عهده زنان گذاشته شده، وجود ندارد. اخیرا مطلبی می‌خواندم که در آن نوشته شده بود در حال حاضر زنان بین زندگی و کار دو پاره شده‌اند و این کاملا درست است.

در تمام سال‌هایی که درباره وضع حقوق زنان در ایران بحث وجود داشته، درباره نپیوستن ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان هم انتقادهایی وجود داشته است. البته این موضوع مخالفان زیادی هم دارد ولی به هر حال این نظر مطرح است که اگر در همه این سال‌ها ایران به این کنوانسیون پیوسته بود ممکن بود ما دیگر شاهد تعداد زیادی از تبعیض‌ها علیه زنان نباشیم و البته این نظر برای زمانی که در آن هستیم هم وجود دارد. نظر شما در این‌باره چیست؟

من فکر می‌کنم که اصلا اینطور نیست.

پس شما هم جزو مخالفان پیوستن ایران به این کنوانسیون هستید.

خیر در همان زمان که من در مرکز مشارکت زنان بودم، لایحه این موضوع به مجلس رفت و شورای نگهبان هم نظر داد که شرط کلی در این لایحه قایل شده و نظر داد که این شرط کلی قبول نیست و ماده به ماده باید احصا شود، بعد از آن هم مجلس ششم بر تصویب شرط کلی پیوستن به این کنوانسیون اصرار ورزید و در نهایت لایحه به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت و حالا چندین سال است که در حال بررسی است. به هر حال ایران تنها کشور از ۵۷ کشور عضو سازمان همکاری‌های اسلامی است که به این کنوانسیون نپیوسته است. البته این هم درست نیست که ما فکر کنیم در همه کشورهایی که به این کنوانسیون پیوسته‌اند، دیگر هیچ مشکلی برای زنان وجود ندارد و همه تبعیض‌ها رفع شده است، نمونه‌اش زنان در کشور عربستان و دیگر کشورهای عرب و حوزه خلیج‌فارس. هر چند در همه گزارش‌هایی که گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل از ایران تهیه می‌کند درباره نپیوستن ایران به این کنوانسیون اشاره می‌کند ولی از نظر من در حال حاضر آنچه که در حوزه زنان مهم است بحث الگو یا دستور کار توسعه بعد از ۲۰۱۵ است. امسال اجرای اهداف توسعه هزاره که باید در ۲۰۱۵ به اتمام رسیده است، تمام شده و سازمان ملل دستور کار توسعه ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ را تدوین کرده و در اجلاس سران در شهریور به تصویب می‌رسد. به نظر من در حال حاضر این دستور کار که ۱۷ هدف هم دارد مهم است.

> • جامع مطالبات زنان روی زمین مانده است
> • اصلاح قوانین مدنی در حوزه زنان بسیار سخت است اما ناامید نیستیم
> • لایحه تأمین امنیت زنان به مجلس نمی‌رود، سند ملی امنیت زنان و کودکان در روابط اجتماعی در مراحل آخر تصویب

پس شما هم دیگر پیوستن به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را لازم نمی‌دانید.

من فکر می‌کنم که دنیا در حال حاضر از این کنوانسیون عبور کرده است. کنوانسیونی که ۳۶ سال پیش و همزمان با پیروزی انقلاب تصویب شده و البته هیچ اشاره‌ای به خشونت علیه زنان در آن نشده است. فکر می‌کنم الان باید ۱۷ هدف دستور کار جدید سازمان ملل را مدنظر قرار دهیم.

به خشونت علیه زنان اشاره کردید. می‌دانم که شما سال‌هاست روی این موضوع کار می‌کنید و حتی موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد شما خشونت علیه زنان بوده است. در حال حاضر موضوع خشونت‌های مختلف علیه زنان و به‌ویژه خشونت‌های خانگی را چقدر در ایران جدی می‌بینید؟

این موضوع به هر حال جدی است و البته یک موضوع جهانی است. هیچ کشوری نمی‌تواند بگوید که خاص کشور من نیست یا خاص مذهب، کشور، طبقه، سواد و تحصیلات خاصی است. خشونت این مرزها را پشت‌سر گذاشته و خشونت علیه زنان در بقیه کشورها و ایران وضع فوق‌العاده نگران‌کننده‌ای دارد.

ولی با وجود این‌که این موضوع به قول شما به این اندازه در ایران جدی است، چندان فعالیت مبارزه‌جویانه‌ای با آن نمی‌شود. مثلا ما می‌بینیم که در تعدادی از کشورها مانند مصر، ترکیه و هند که آمار خشونت علیه زنان در آنها مانند ایران بالاست، فعالیت‌های جدیدی مانند ساخت تیزرهای تبلیغاتی و... برای مبارزه با خشونت علیه زنان انجام می‌شود ولی در ایران همچنان از این فعالیت‌ها خبری نیست.

بله، من شنیده‌ام در پارکی در ترکیه، ماکت‌هایی از قربانیان خشونت نصب شده که روی آنها نوشته شده: من فلانی هستم و چون مثلا برای شوهرم غذا درست نکردم به قتل رسیدم. به هر حال درباره ایران باید بگوییم که آمارها در ایران این موضوع را نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان جدی است. ما مستمر از نیروی انتظامی و پزشکی قانونی آمارهایی را دریافت می‌کنیم که نه تنها درباره زنان که کلا روند رو به تزاید خشونت در ایران را نشان می‌دهد. موارد و مصادیقی که در اماکن عمومی هم می‌بینیم این موضوع را نشان می‌دهد و نیازمند توجه جدی است. یکی از عوامل خشونت علیه زنان، چرخه خشونتی است که از دوران کودکی صورت می‌گیرد و قربانیان خشونت در دیروز، مرتکبان خشونت در امروزند. مردانی که مرتکب خشونت می‌شوند خودشان قطعا مورد انواع خشونت‌ها قرار گرفته‌اند. البته خیلی‌ها هنوز نمی‌خواهند بپذیرند که در جامعه ما خشونت وجود دارد و این پاک کردن صورت مسأله است. وقتی ما به مرجع ملی صیانت از زنان در برابر خشونت رسیدیم مطرح شد که طرح این موضوع در جامعه نشان می‌دهد که در جامعه خشونت داریم و نباید به این شکل به آن بپردازیم؛ این موضوع نشان می‌دهد که چقدر این نگاه از واقعیت‌های جامعه دور است و در حال پاک کردن صورت مسأله است. اینها همه در حالی است که اخیرا اعلام شد در ایران ۱۲ میلیون نفر دارای اختلال روانی‌اند و این یک بحث بسیار جدی است که برنامه‌ریزان ما باید به آن توجه جدی کنند یا از طرف دیگر اعلام می‌شود که در ایران هر ساعت هزار نفر استعداد خودکشی دارند. اینها نگران‌کننده است. مثلا در بحث اعتیاد، هر چند تعداد زنان معتاد در برابر مردان چندان زیاد نیست ولی گفته می‌شود که ۶۲ درصد معتادان متاهلند و خب این حتما زندگی زنان و کودکان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. براساس آمارها ۵۸ درصد طلاق‌ها ناشی از اعتیاد است و ۵۰ درصد همسرآزاری‌ها در جهان و ۶۵ درصد همسرآزاری‌ها در ایران با مصرف و توزیع مواد مخدر مرتبط است. از طرف دیگر آمارها نشان می‌دهد که ۵۵ درصد طلاق‌ها، ۳۰ درصد کودک‌آزاری‌ها، ۲۵ درصد قتل عمدها و ۲۳ درصد نزاع و خشونت‌ها مربوط به مصرف، توزیع و قاچاق مواد مخدر در کشور است.

خب فکر می‌کنید به صورت مصداقی در این‌باره باید چه کار کرد؟

بحث ریشه‌ای و زیربنایی از زمان کودکی و کتب درسی شروع شود. تساهل و مدارا و... حتما باید در متون درسی‌مان گنجانده شود. از طرف دیگر قانون نقش بسیار مهمی را برای منع خشونت علیه زنان دارد؛ تشدید مجازات و وضع مجازات‌های جدید و... جزو آن می‌تواند باشد.

که البته این مجموعه تدابیر در لایحه تأمین امنیت زنان که در چندماه گذشته شما آن را دنبال کرده‌اید، آمده است؛ لایحه‌ای که البته هنوز به مجلس نرسیده. فکر می‌کنید بالاخره آخر و عاقبت این لایحه چه می‌شود؟

البته همین بحث از مجازات‌های جدید در این لایحه کمی بحث‌انگیز شد و گفته شد که چون در این‌باره صحبت شده باید به قوه قضائیه برود. الان در حال جمع کردن هستیم. این لایحه بالاخره در کمیسیون لوایح دولت مطرح شد و در آن به این نتیجه رسیدیم که چون سند ملی امنیت زنان و کودکان در روابط اجتماعی در وزارت کشور در حال بررسی است، اگر یک سند در حوزه خشونت علیه زنان داشته باشیم کاربردی‌تر است و زودتر به‌نتیجه می‌رسیم. الان در وزارت کشور پیش‌نویس این سند تدوین شده و قرار شده که با نظارت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دیدگاه‌هایمان را در آن تلفیق کنیم.

پس لایحه منتفی است؟

منتفی نیست و ما دیدگاه‌هایمان را در آن سند مطرح می‌کنیم.

به هر حال فعلا لایحه‌ای در این‌باره برای تصویب به مجلس نخواهد رفت.

شاید اگر لایحه‌ای به مجلس نرود و پروسه طولانی دولت تا مجلس طی نشود ما زودتر به نتیجه برسیم چون انتخابات مجلس هم پیش روست و معلوم نیست کی در دستور کار مجلس قرار بگیرد. به هر حال پیگیری‌های ما در این‌باره ادامه دارد.

> • جهان از کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان عبور کرده و لازم نیست ایران به آن بپیوندد
> • معاون اول رئیس جمهوری برای افزایش سهمیه زنان در آزمون استخدامی دولت دستور داده است
> • ۶۵ درصد همسرآزاری‌ها تحت تأثیر مصرف مواد مخدر اتفاق می‌افتد

عکس: نسیم اعتمادی / شهروند

شما قبل از این‌که مقام دولتی داشته باشید، دانش‌آموز، دانشجو و البته یک زن بوده‌اید. تا به حال شده که در جامعه در معرض خشونت‌های مختلف قرار گرفته باشید؟

قطعا همین‌طور است. چون همه ما در این جامعه درس خوانده و کار کرده‌ایم. اگر تعریف خشونت را در نظر بگیریم، همان بحث خشونت کلامی پیش می‌آید. چون من همیشه در مسیرهای رفت‌وآمد، پیاده‌روی می‌کردم و قطعا ناظر این موضوع بوده و اگر به حافظه‌ام رجوع کنم موارد زیادی را در این‌باره می‌توانم نام ببرم.

شما به بحث اعتیاد اشاره کردید. در حال حاضر آسیب‌های اجتماعی مختلف زنان در ایران روز به روز در حال گسترش و البته تغییرات مختلفی نسبت به قبل است. یکی از این آسیب‌های مصرف مواد مخدر و البته تأثیر خانواده‌های درگیر اعتیاد بر زندگی زنان است. فکر می‌کنید با این مسائل جدی، وقت برخورد متفاوت‌تری نسبت به گذشته با آسیب‌های اجتماعی زنان نیست؟

موضوع مهم در این‌باره این است که در حال حاضر الگوی مصرف زنان تفاوت اساسی با مردان پیدا کرده است.

مصرف مواد روانگردان در زنان بیشتر از مردان است.

همینطور است، عکس مردان که بیشتر مصرف مواد سنتی دارند. سن استفاده دختران از مصرف مواد، به ۱۳ سال رسیده و مواد صنعتی مصرف می‌کنند. این موضوع بسیار نگران‌کننده است و روز به روز بیشتر می‌شود. این موضوع البته دلایلی دارد که یکی از آنها افسردگی در میان زنان است. از طرف دیگر، زنان معتاد توسط خانواده و جامعه طرد می‌شوند و خیلی دیر به فکر درمان می‌افتند و این موضوع درمان آنها را سخت می‌کند. بحث حمایت‌های اجتماعی از زنان بهبودیافته هم مهم است؛ می‌بینیم که زنان بهبودیافته خیلی زودتر از مردان به سمت اعتیاد برمی‌گردند چون از آنها حمایت‌های لازم به عمل نمی‌آید.

البته مصرف مواد در میان زنان باعث ایجاد موضوع‌های دیگری هم شده؛ مثلا افزایش تعداد زنان کارگر جنسی. این موضوع را شما چقدر در ایران جدی می‌بینید؟

کلا در سال‌های گذشته زنانه شدن شدن آسیب‌ها خودش را نشان می‌دهد. از طرف دیگر زنانه شدن فقر، سالمندی، اعتیاد، ایدز و البته زنانه شدن بخش غیررسمی اقتصاد به دلیل موانعی که برای جذب زنان در بخش‌های رسمی اقتصاد وجود دارد، مطرح است.

خانم مولاوردی از زمانی که شما به معاونت امور زنان آمدید، به نظر می‌آید که بعد از سال‌ها دوباره رابطه یک نهاد دولتی مربوط به زنان با بدنه فعالان حقوق زنان بهتر شده؛ این را از همان اول و در جلسه معارفه شما که تعداد زیادی از فعالان حقوق زنان با هر نوع گرایش فکری به نهاد ریاست جمهوری آمده بودند و با شوق برای شما کف می‌زدند، می‌شد حدس زد. من می‌دانم که از آن زمان شما سعی کرده‌اید که ارتباطتان را با این افراد حفظ کنید. هنوز هم دیدارهای مستمر شما با فعالان حقوق زنان ادامه دارد؟

دیدارها تقریبا جزو برنامه‌های روزانه من است اما به صورت گروهی با این افراد، به آن شکل که در جلسه معارفه استقبال شده بود، چنین چیزی وجود ندارد. من روزانه حداقل برنامه دیدار با تشکل‌ها و سمن‌ها دارم. سعی می‌کنم که ارتباطم را با سمن‌های فعال زنان حفظ کنم.

می‌دانید که در دولت نهم و دهم انجمن‌های فعال در حوزه زنان و کلا فعالیت‌ها مربوط به حقوق زنان با محدودیت‌های زیادی روبه‌رو شد. با روی کار آمدن دولت یازدهم به نظر می‌رسید که این محدودیت‌ها برطرف یا کم خواهد شد. در حال حاضر شما ضعف یا محدودیت‌ها درباره سمن‌های فعال در حوزه زنان را چه می‌دانید؟

در آغاز دولت یک فهرست ۱۷۰۰ تایی از سازمان فعال در حوزه زنان تحویل گرفتیم که البته به این معنا نیست ما ۱۷۰۰ سازمان غیردولتی فعال در حوزه زنان داریم بلکه خیلی از آنها هیچ فعالیتی انجام نمی‌دهند و صرفا روی کاغذ اسمشان ثبت شده است. به همین دلیل ما در حال ایجاد بانک جامع اطلاعاتی سازمان‌های غیردولتی هستیم و فکر می‌کنم اگر این موضوع به انجام برسد، خیلی از کارهای دیگر را می‌توانیم انسجام ببخشیم

فکر می‌کنید چه زمانی این بانک ایجاد شود؟

مراحل نهایی این بانک در حال طی شدن است؛ ما از تمام استان‌ها و دستگاه‌های اجرایی هم کمک خواستیم تا بتوانیم این بانک جامع را ایجاد کنیم. کلا نگاه دولت یازدهم جلب مشارکت‌های عمومی و به‌ویژه نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی است برای انجام برنامه‌ها و پیشبرد سیاست‌های دولت و البته واگذاری امور به مردم؛ آقای روحانی هم بارها روی این موضوع تأکید کرده‌اند. یعنی آن نگاهی که این سازمان‌ها را رقیب و در تقابل با دولت می‌دید، دارد جایش را به نگاهی می‌دهد که سازمان‌های غیردولتی را رفیق و در کنار دولت می‌بیند به‌عنوان بازوهای اجرایی دولت. معاونت هم همین نگاه را دارد و از همان روزهای اول هم این نگاه و اراده را نشان داد.

یعنی آغوش معاونت زنان به روی همه فعالان حقوق زنان با هر نوع نگرشی باز است؟

بله آغوش ما برای فعالان زنان با هر نگرشی باز است. ما در حمایت‌هایمان از سازمان‌های مردم‌نهاد، برنامه‌محور نگاه می‌کنیم؛ یعنی کاری نداریم که یک سازمان اصولگرا است، اصلاح‌طلب یا مستقل. اگر سازمانی برنامه‌ای که می‌دهد با آن ردیف اعتباری که ما داریم برای توان‌افزایی، آموزش، اشتغال یا هر برنامه دیگری باشد ما حمایت‌هایمان را انجام می‌دهیم و حمایت‌هایمان را به تشکل‌های هم‌سو و هم فکر خودمان محدود نکرده‌ایم؛ البته هنوز به آن وضع مطلوب نرسیده و هنوز آن ارتباطی که باید با بدنه جامعه داشته باشیم و کارگروه‌هایمان هنوز نتوانسته‌اند به‌عنوان حلقه واسط بین دولت و مردم عمل کنند.

دقیقا سوال همین است. چرا این اتفاق نیفتاده است؟

دلایل متعددی دارد. نگاهی که ما داشتیم نگاه مشورت دادن و اتاق فکر بود و بعضا ممکن بود تعدادی از افراد که می‌آمدند این نگاه را نداشته باشند. همین باعث شد که حرکت ما کند شود. ما در فراخوانمان گفته بودیم که کسانی که داوطلبند برای همکاری با ما بیایند ولی این اتفاق چندان نیفتاد و بیشتر، کسانی می‌آمدند که این نگاه داوطلبانه را نداشتند و طرف دیگر در بدنه معاونت هم این پذیرش وجود نداشت و مقاومت‌هایی در برابر فعالیت کارگروه‌ها به چشم می‌خورد.

شما قبل از این‌که به معاونت بیایید همیشه از ایجاد عدالت جنسیتی دفاع می‌کردید. موضوع اینجاست که بعد از انفعال جنبش زنان در سال‌های اخیر و بعد از روی کار آمدن شما در معاونت، خلاف انتظارها، باز هم انفعال در جنبش زنان ادامه پیدا کرد و شاهد تغییر خاصی در فعالیت‌ها نبوده‌ایم.

این موضوع برای من هم سوال است. اگر ما می‌خواهیم موضوعی به نتیجه برسد از جوانب مختلف باید آن مطالبه مطرح و جلب توجه شود. ولی ما می‌بینیم که مسائل را معاونت به تنهایی مطرح می‌کند و هیچ عقبه و پشتیبانی وجود دارد و خب طبیعتا ما تا حدی می‌توانیم تلاش کنیم و نهایتا دلسرد می‌شویم. این موضوع دلایل مختلفی دارد؛ از آن طرف انتظاراتی وجود دارد و از طرف ما هم همینطور.

اگر این گفت‌وگو فرصتی باشد برای این‌که دوباره از فعالان حقوق زنان بخواهید برای به ثمر رسیدن مطالبات با معاونت زنان بیشتر همکاری کنند، این کار را می‌کنید؟

البته تعریف من از جنبش زنان با تعریف مصطلح فرق می‌کند. من کل کسانی را که در این حوزه کار می‌کنند، عضو جنبش زنان می‌دانم.

با هر نگرشی؟

حتما و انتظاری جز این هم نمی‌توانیم داشته باشیم.

هنوز هم به ایجاد برابری جنسیتی میان زنان و مردان و رفع هر گونه تبعیض علیه زنان معتقدید؟

برابری جنسیتی که متاسفانه بعضی آن را با برابری جنسی یکی می‌گیرند و هر دو را با یک چوب می‌رانند، ریشه در دسترسی برابر زن و مرد به فرصت‌ها و منابع دارد یا دسترسی به چهار کمیاب و مطلوب اجتماعی: قدرت برابر، ثروت برابر، منزلت برابر و اطلاعات برابر.

به نظر می‌رسد تا زمانی که زنان با مردان در شرایط برابر نیستند هر گونه رفتار برابر با آنها نابرابری‌ها و تبعیضات دیرپا را نهادینه می‌کند، اینجاست که پای تبعیضات مثبت به نفع زنان و اقدامات ایجابی که سازوکارهای موقتی و مقطعی هستند به میان کشیده می‌شود که ما از آن به عدالت جنسیتی یاد می‌کنیم که مسلما به معنای مهر تأیید زدن بر وضع موجود نیست. در برابری جنسیتی زن و مرد در عین تفاوت و با حفظ تفاوت‌های خود از حقوق یکسانی برخوردارند که ماهیتا با حقوق مشابه فرق دارد. در برابری جنسیتی بر خلاف تصور مخالفین، هدف نشاندن زنان به جای مردان و بالعکس نیست که این تصور ریشه در تفاوت قایل نشدن میان واژه‌های «جنس» و «جنسیت» دارد که نهایتا منجر به یکی پنداشتن برابری جنسیتی با برابری جنسی می‌شود.

در دو ماه اخیر برگزاری آزمون استخدامی دولت و سهمیه بسیار حداقلی زنان در آن خبرساز شد. شما فروردین گذشته گفتید که این موضوع را پیگیری می‌کنید. پیگیری‌ها به کجا رسید؟

هم با رئیس‌جمهوری، هم معاون اول و آقای نوبخت مذاکراتی انجام دادیم و گزارش تحلیلی هم فرستادیم. آقای جهانگیری هم از آقای نوبخت خواسته‌اند که برای بازنگری و تجدیدنظر در این‌باره اقدام کنند.

هنوز نتیجه‌اش را به شما اعلام نکرده‌اند؟

خیر و از طریق دفتر دکتر نوبخت پیگیریم.

درباره موضوع حضور زنان در سالن‌های ورزشی همیشه از شما سوال می‌شود و حالا با نزدیک شدن شروع مسابقات لیگ جهانی والیبال در تهران باز هم برای زنان علاقه‌مند به تماشای مسابقات این سوال پیش آمده که بالاخره و با وجود تمام خبرهایی که در یکی دو ماه گذشته در این‌باره منتشر شده، زنان امسال می‌توانند برای تماشای مسابقات والیبال به سالن آزادی بروند؟

ما فقط در این‌باره امیدواریم. ساز و کارها و چهارچوب این موضوع در مراجع ذی‌ربط تدوین شده ولی هنوز به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ نشده است و قطعا نتیجه آن تا آغاز بازی‌ها اعلام می‌شود.

چند درصد در این‌باره امیدوارید؟

۸۰ درصد امیدواریم که زنان برای تماشای مسابقات والیبال بتوانند به سالن بروند.